

سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل

آنچه برای پیروزی شرم‌آور است
این است که آدم‌های خوب دست روی دست
بگذارند و کاری نکنند. «ادموند برک»

اسعد اردلان^۱

چکیده: جنگ گرچه پایمال‌شدن تمامی قواعد بین‌المللی را در بر دارد، خود دارای آدابی است که عدم رعایت آن موجب مسئولیت بین‌المللی برای ناقض حقوق بشردوستانه می‌گردد. باوجودی که استفاده از سلاح‌های شیمیایی سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد، اما قراردادهای و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی آن را خلاف اصول انسانی و حقوق جنگ تلقی کرده و طرفین درگیر در ستیز را به پرهیز از کاربرد این مواد و سلاح‌ها تشویق و وادار نموده‌اند. نمونه برجسته چنین تعهدی در کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی ایجاد شده است که دستاورد سیصد سال تلاش برای رهایی انسان‌ها از رنج‌های غیرضروری ناشی از جنگ است. از نظر حقوق بین‌الملل دو نوع ممنوعیت در مورد ابزار جنگی وجود دارد: یکی کاربرد سلاح‌های خاص و دیگر اتخاذ شیوه‌های وخیم آسیب‌رساندن به نیروهای دشمن. این هر دو در جنگ‌افزارهای شیمیایی مصداق دارد. لذا این کنوانسیون که پس از فجایع ارتكابی رژیم بعث عراق در جنگ‌های داخلی و جنگ تحمیلی بر ایران تدوین گردید را می‌توان تنها نتیجه مثبت این رویدادها برای بشریت در نبردهای بین‌المللی آینده قلمداد نمود.

نظر به اهمیت این موضوع هم از جنبه‌های حقوقی و هم انسانی، در این نوشته تلاش کرده‌ایم خلاصه‌ای از آنچه را که برای شناخت سلاح‌های شیمیایی لازم است ارائه دهیم.

واژگان کلیدی: سلاح‌های شیمیایی، پروتکل ژنو، سازمان ملل، جنگ، حقوق بین‌الملل.

۱. دکتر اسعد اردلان، کارشناس ارشد حقوقی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

aardalan2002@yahoo.com

سرآغاز

جنگ تحمیل شده عراق بر ایران که طولانی‌ترین نبرد سده بیستم میلادی را آفرید، افزون بر همه مشخصات یک مخاصمه بین‌المللی از ویژگی نقض شدید بسیاری از قواعد جنگ و حقوق انسان‌دوستانه از سوی ارتش تحت فرمان حزب بعث عراق برخوردار بود. نقض مقررات کنوانسیون‌های لاهه و ژنو در مورد اسیران جنگی، هدف‌گیری کشتی‌های تجاری در دریای آزاد، حمله مستمر به شهرها و مراکز غیرنظامی از این شمارند. اما نقطه عطف دردآور این ستیز استفاده نامحدود از ادوات ممنوعه جنگی و ازجمله انتشار گازهای خفه‌کننده و مسموم از طریق بمباران هوایی در جبهه‌های نبرد و روستاها و شهرهای خارج از میدان جنگ توسط ارتش عراق و حتی علیه اتباع آن کشور بود.

جنگ آداب و قواعد ویژه خود را دارد که از دوران باستان مراعات می‌شده است. امروزه بنا بر اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌های درگیر در جنگ مسئولیت دارند که نسبت به مراعات قواعد جنگ توسط رزمندگان خود اطمینان دهند. گرچه جنگ وخیم‌ترین شکل سوداگری مرگ است، باین وجود زخمی‌ها، اسیران و غیرنظامیان باید از حمایت قوانین بین‌المللی برخوردار باشند. این حمایت از راه تشخیص رزمندگان سالم از مجروح، نظامی از غیرنظامی و کودکان و زنان از مبارزان و نوع سلاحی که با آن می‌جنگند امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین کاربرد سلاح‌های شیمیایی که ابزار جنگی کور و فاقد قدرت تشخیص و انتخاب هدف به شکل فردی است، تمامی قواعد عرفی و مدون جنگ را نادیده می‌گیرد.

جنگ‌افزارهای شیمیایی معمولاً به ادواتی جنگی گفته می‌شوند که مواد شیمیایی را با هدف تأثیر سمی آن بر انسان، حیوانات و گیاهان به کار می‌گیرند.^(۱) سلاح‌های شیمیایی در گذشته بسیار ساده بوده و به تولید دود و گاز از مواد آتش‌زا محدود می‌گردیدند و میزان کارایی و هدف‌گیری درست آن‌ها نیز بستگی به جهت جریان و سرعت باد داشت. اما امروزه از ترکیبات پیچیده و مواد متنوعی تشکیل شده‌اند و پس از سلاح اتمی از بالاترین قدرت تخریبی برخوردارند. آن‌ها با هدف انهدام گروه‌های بزرگ انسانی و آلوده کردن منابع و محیط زیست و ایجاد رنج شدید و دائمی به کار می‌روند. برخلاف سایر ادوات نظامی، گازها می‌توانند به داخل حفره‌ها، تونل‌ها و سنگرها و هر جایی که سربازان و حتی شهروندان غیررزمندگان پناه می‌گیرند نفوذ کرده و آن‌ها را از پای درآورد.

برخی از سلاح‌های شیمیایی نمی‌کشند، بلکه آلام جسمی بلندمدتی ایجاد می‌نمایند که شخص آسیب‌دیده را تا پایان زندگی‌اش رنج می‌دهند. سموم تنفسی به

مرور زمان موجب از میان بردن شش‌ها می‌شوند. نوعی دیگر از سم‌ها وارد خون شده مانع از رسیدن اکسیژن از راه خون به بدن می‌گردند و موجب خفگی و مرگ آزاردهنده می‌شوند. یکی از بدترین این سموم گاز خردل است که اندام را از درون و بیرون سوزانده و ایجاد تاول‌های وحشتناک می‌کند. اگر قربانی زنده بماند سوختگی درونی و پوستی، درد و رنج بسیاری را به او تحمیل می‌کند. گونه هراس‌انگیز تر این سموم عامل عصبی تابون است که در دسته‌بندی بسیار خطرناک سموم شیمیایی قرار دارد. این سم به هر شکل به مانند گاز و اسپری و یا مایع به کار رود هفته‌ها بر روی محیط زیست می‌ماند و افراد یا اجسامی را که با آن تماس برقرار نمایند آلوده ساخته از راه پوست و شش‌ها وارد بدن می‌گردد و سامانه عصبی موجودات زنده را به هم ریخته و از میان می‌برد. اهمیت و قدرت تخریبی این سلاح‌ها به‌گونه‌ای است که از آن به‌عنوان «بمب اتمی کشورهای فقیر» یاد کرده‌اند.

پیشینه کاربرد سلاح‌های شیمیایی

سابقه استفاده از مواد سمی علیه انسان‌ها را شش قرن پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند. انتشار سم به شکل گاز و دود، و از طریق مسموم کردن آب آشامیدنی از ۶۰۰ ق.م رایج شده است و آن هنگامی بود که سولون^۱ فرمانروای آتن، آب را در Pleistos مسموم کرد.^(۲)

«توسیدید»^۲ مورخ یونانی گزارش کرده است که در خلال جنگ «پلوپونز»^۳ میان دولت‌شهرهای یونان، اسپارته‌ها در حمله به یک دژ نظامی از دود ناشی از سوزاندن چوب، سولفور و قیر استفاده کردند. نوشته‌های دیگری نیز بر کاربرد مواد مشابهی از سوی هندی‌ها، چینی‌ها و اروپاییان در قرون وسطی دلالت دارند.^(۴)

نشانه‌هایی از استفاده از گوگرد را در جنگ‌های ایرانیان و رومیان در عهد ساسانیان نیز ذکر کرده‌اند. در قرن شانزدهم اروپاییان ابزار آغشته به سم را به بومیان آمریکا می‌دادند و بسیاری از دولت‌های استعمارگر نیز در مراحل تسلط بر مستعمرات و گسترش آن‌ها به استفاده از سلاح‌های شیمیایی روی آوردند^(۴) و این بیشترین میزان آگاهی ما نسبت به کاربرد این مواد در جنگ‌ها است. اما؛ آغاز تاریخ نوین جنگ‌های شیمیایی را استفاده از گازهای خفه‌کننده در ستیز انگلیسی‌ها با بوئر‌ها در آفریقای جنوبی به سال ۱۸۹۹ می‌دانند.^(۵)

1. Solon
2. Thucydides
3. Peloponnesian

گزارش‌های بسیاری مبنی بر استفاده از مواد شیمیایی در سال‌های جنگ اول جهانی در دست داریم.

در نخستین حمله به لانژمارک در شمال شهر ایپر^۱ بلژیک در ۱۵ آوریل ۱۹۱۵، آلمان‌ها ۳۰ تن بمب‌های حاوی گاز Chlorine را رها ساختند که بر اثر آن ۱۵۰۰۰ نفر مصدوم شدند که از آن میان ۳۰۰۰ تن جان سپردند. بسیاری از سربازان به این سبب کشته شدند که با چشم‌هایی که در اثر انتشار گاز کور شده بودند، در میدان جنگ می‌دویدند که یا به درون کانال‌ها و سنگرها می‌افتادند و یا درخندق‌های پر از آب غرق می‌شدند و یا با آتشبار دشمن روبه‌رو شده، بی‌دفاع از پای در می‌آمدند.^(۶)

آلمان‌ها در ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ نیز با پرتاب هزاران گلوله حاوی مواد شیمیایی و گاز خردل موجب خفگی و مرگ ده‌ها هزار فرانسوی شدند. این رفتار واکنش انگلیس و فرانسه را به‌عنوان مقابله به مثل برانگیخت.^(۷) وزن مواد شیمیایی به کار رفته در این نبردها را ۱۱۳/۰۰۰ تن و شمار تلفات ناشی از آن را ۹۰/۰۰۰ و آسیب‌دیدگان را نزدیک به ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفر بر شمرده‌اند.^(۸)

از این‌رو فشار افکار عمومی با درخواست محاکمه قیصر و دیگر رهبرانی که از این سلاح‌ها در جنگ استفاده کردند، دولت‌مردان را بر آن داشت تا تلاش‌هایی را برای ممنوعیت کاربرد این مواد و سلاح‌های حامل آن در جنگ‌ها آغاز نمایند. جدول زیر سهم کشورهای درگیر در جنگ جهانی اول را در استفاده از سلاح‌های شیمیایی نشان می‌دهد:

مواد شیمیایی به کار رفته در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۸

مقیاس: هزار تن

کشور	۱۹۱۵	۱۹۱۶	۱۹۱۷	۱۹۱۸	جمع
آلمان	۲/۹	۷	۱۵	۲۸	۵۲/۹
فرانسه	۰/۳	۳/۵	۷/۵	۱۵	۲۶/۳
بریتانیا	۰/۲	۱/۶	۴/۹	۷/۷	۱۴/۴
اتریش - مجارستان	۰	۰/۸	۲/۷	۴/۴	۷/۹
ایتالیا	۰	۰/۴	۲/۵	۳/۴	۶/۳
روسیه	۰/۲	۱/۸	۲/۷	۰	۴/۷
آمریکا	۰	۰	۰	۱	۱
جمع ^(۹)	۳/۶	۱۵	۳۵	۵۹	۱۱۳/۵

1. (Leper) Ypres

علی‌رغم تقبیح بین‌المللی، در فاصله دو جنگ جهانی نیز، مواد شیمیایی در اوایل دهه ۱۹۲۰ از سوی نیروهای انگلیس در سرزمین‌های مستعمره هند و خاورمیانه، و از جانب اسپانیایی‌ها و فرانسوی‌ها علیه مبارزان مراکشی در «ریف» به کار رفته است.^(۱۰) درحمله ایتالیا به مردم اتیوپی در سال‌های ۶-۱۹۳۵ گازهای سمی ۱۵/۰۰۰ قربانی گرفت. شمار زیادی از غیرنظامیان نیز در جنگ‌های داخلی اسپانیا که از ۱۹۳۶ آغاز و به مدت سه سال ادامه داشت از بین رفتند. در این نبردها نیروهای شوروی در حمایت از جمهوری خواهان و علیه ملی‌گرایان، از گازهای سمی و خردل استفاده کردند. در ستیز میان ژاپن و چین در سال‌های ۳۸-۱۹۳۷ در اثر این سلاح‌ها که از سوی ژاپن به کار رفت، تعدادی زیادی از مردم غیرنظامی چین کشته و مصدوم شدند.^(۱۱)

باوجودی که نشانه‌های آشکاری از استفاده از این سلاح‌ها در جنگ دوم در دست نیست، اما پس از آن و در دهه ۱۹۶۰ ادعاهایی در مورد استفاده از این ادوات توسط آمریکاییان در ویتنام، مصر در یمن و شوروی در افغانستان مطرح شدند^(۱۲) و موضوع به بحث و صدور قطعنامه شماره 2162 B (XXI) مجمع عمومی ملل متحد در ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۶ منجر شد.^(۱۳)

فاجعه‌بارترین نمونه کاربرد این مواد توسط عراق در جنگ با ایران و عملیات داخلی «الانفال»^۱ ^(۱۴) انجام شده است. جمهوری اسلامی ایران ۲۵۲ مورد حمله شیمیایی عراق را به نیروهای رزمی و مناطق شهری و روستایی خود نزد سازمان ملل متحد ثبت کرده است. در خلال این جنگ، و در فاصله سال‌های ۸۹-۱۹۸۴ سلاح‌های شیمیایی ده‌ها هزار سرباز و شهروندان غیررزمنده را کشته و زخمی کرد. دو نمونه دهشتناک حمله عراق به شهر سردشت در ۷ تیر ۱۳۶۶ با گاز خردل بود که نزدیک به چهار هزار تن کشته و مصدوم داشت. شهر حلبچه نیز در ۲۵ اسفند همان سال با گاز اعصاب مورد حمله قرار گرفت که ۵۰۰۰ نفر در دم جان باختند. عملیاتی که به باور سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، رژیم عراق علیه اتباع خود و با هدف قتل‌عام کردها و به‌منظور تهدید به محو آن‌ها صورت داد.^(۱۵)

۱. عملیات انفال با هدف تخلیه مناطق روستایی کردستان از سکنه و چریک‌ها در ۲۳ فوریه ۱۹۸۸ با تهاجم گسترده ارتش عراق به مقر فرماندهی اتحادیه میهنی در شرق سلیمانیه آغاز شد. نخستین مرحله آن در ۱۹ مارس پایان یافت. انفال ۸ عملیات را در بر گرفت و ۸ ماه نیز دوام آورد و طی آن بیش از ۱۸۰/۰۰۰ کرد عراقی کشته یا ناپدید شدند.

تلاش برای منع کاربرد مواد شیمیایی در جنگ

نفرت از کاربرد مواد شیمیایی شاید مهم‌ترین موضوع در تاریخ مذاکرات مربوط به خلع سلاح بوده است. بیش از یک سده است که تصویر دهشتناک کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نتایج ناشی از آن بارها توسط اعلامیه‌ها و مقررات هشداردهنده تکرار شده است.^(۱۶) سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان ادواتی که تأثیرات ویژه خود را بر روی زندگی برجای می‌گذارند در طبقه‌بندی مخصوصی قرار می‌گیرند. هدف از به‌کارگیری آن‌ها تک‌تک سربازان نیست بلکه انهدام گروه‌های بزرگ انسانی است. این ابزارهای جنگی در سال‌های گذشته موضوع بیانیه‌ها و مذاکرات مهم بسیاری بوده‌اند. دلیل اصلی این مذاکرات دستیابی به یک تعهد الزام‌آور در محدودکردن این سلاح‌ها بوده که به‌طور روزافزون و وسیعی توسعه یافته و به شیوه‌های علمی در جنگ‌ها به کار گرفته شده‌اند.^(۱۷)

کهن‌ترین واکنش نسبت به ممنوعیت مواد سمی بیانیه‌ای بوده است که در آن رومی‌ها استفاده از سموم را غیرقانونی و غیراخلاقی دانسته‌اند و «جنگ را کارزار تسلیحات و نه سموم»^۱ توصیف کرده‌اند.^(۱۸)

نخستین توافق بین‌المللی در مورد محدودیت استفاده از گلوله‌های سمی را نیز موافقت‌نامه امضا شده در استراسبورگ توسط فرانسه و آلمان به سال ۱۶۷۵ برشمرده‌اند.^(۱۹)

مقدمه اعلامیه سنت پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر تا ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸ در مورد «استفاده از مواد منفجره کمتر از ۴۰۰ گرم (۱۴ اونس) در زمان جنگ» را نشانه توجه دولتمردان و کارشناسان نظامی آن زمان به منع استفاده از سلاح‌هایی که خلاف وجدان بشریت قلمداد شده‌اند و سرآغاز آشنایی مردم جهان با فجایع ناشی از کاربرد این‌گونه ابزار دانسته‌اند. در این بیانیه آمده است:

«یکی از نشانه‌های تمدن، کاستن از فجایع جنگ تا حد امکان است. تنها هدف مشروع و قانونی در جنگ تضعیف نیروی نظامی دشمن است. این هدف با استفاده از سلاح‌هایی که موجب تشدید رنج مردم ناتوان یا مرگ آنان بدون هیچ سودی می‌شود، از هدف خود فراتر می‌رود و بنابراین استفاده از این سلاح‌ها در جنگ خلاف وجدان بشریت است».

این اعلامیه را می‌توان نخستین هشدار در حقوق بین‌الملل نسبت به کاربرد و ممنوعیت سلاح‌هایی که موجب صدمات غیرضروری می‌شوند، دانست.^(۲۰)

تا پیش از نیمه دوم سده نوزدهم، حقوق جنگ کاملاً عرفی بود، اما اکنون ضروری است که میان تعهدات حقوقی ناشی از طبیعت قراردادها که از پیمان‌های بین‌المللی سرچشمه می‌گیرند و آن دسته از تعهدات که بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی بودند، تفاوتی قائل شویم. یکی از مشکلات در حوزه سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک این است که برخی از متون اساسی مربوط به آن‌ها یا مبهم‌اند و یا با قواعد حقوقی شناخته‌شده ناسازگارند. با برگشت به زمان انتشار بیانیه سنت پترزبورگ، به نظر می‌رسد در باور امضاکنندگان؛ اعلان صریح اصول عمومی، مهم‌تر از ابراز نیت خود مبنی بر ممنوعیت استفاده از ابزاری خاص بوده است.^(۲۱)

سند دیگری که بر ممنوعیت موادشیمیایی و میکروبی در جنگ دلالت دارد، اعلامیه‌ای است که در ۲۷ اوت ۱۸۷۴ توسط نمایندگان ۱۵ کشور اروپایی که به ابتکار تزار روس الکساندر دوم در بروکسل گرد هم آمده بودند تا پیش‌نویس یک توافق بین‌المللی در مورد مراعات حقوق و عرف جنگ را آماده نمایند، صادر شد. سندی با عنوان «پروتکل بروکسل درباره حقوق و عرف جنگ» که در ماده ۱۳ آن کاربرد سم و سلاح‌های سمی و ادواتی جنگی را که رنج‌های غیرضروری ایجاد می‌کنند ممنوع اعلام نمودند.^(۲۲) این منع حقوقی مورد حمایت حقوق‌دانان مؤسسه حقوق بین‌الملل در کتاب راهنمای آکسفورد در ۱۸۸۰ نیز قرار گرفته است.^(۲۳)

این بیانیه دارای عبارات مهم‌تری نیز بود که بعدها به دومین اصل اساسی کنوانسیون‌های لاهه تبدیل شد، یعنی اصل مندرج در ماده ۱۲ که در آن آمده است: «حقوق جنگ کاربرد نامحدود زور توسط ابزارهایی که به دشمن آسیب می‌رساند را به رسمیت نمی‌شناسد». مقررات پیوست به کنوانسیون دوم ۱۸۹۹ لاهه نیز ممنوعیت جنگ نامحدود را تکرار کرده است. ماده ۲۲ این مقررات اعلام داشت که: «حق طرفین مخاصمه در به کارگیری ابزارهایی که دشمن را مصدوم می‌سازد، نامحدود نیست».^(۲۴)

هم‌زمان با پایان سده نوزدهم میلادی، شیمی‌دان‌ها این توانایی را یافتند تا در مقیاس وسیعی به تولید مواد شیمیایی با ایجاد مسمومیت شدید بپردازند. موادی که به آسانی قابل انتقال و انبارکردن بودند و به سلاح‌های مرگباری که ظرفیت کشتار و مجروح کردن هزاران نفر را داشته باشند تبدیل می‌شدند. برای پیشگیری از یک کابوس شیمیایی دولت‌های قدرتمند آن زمان در سال ۱۸۹۹ به دعوت ملکه هلند در لاهه گرد آمدند تا درباره پیمانی که استفاده از سم را در جنگ منع کند، گفتگو نمایند. دیپلمات‌ها کوشیدند با وضع مقررات ساده‌ای که برای قدرت‌های بزرگ الزام‌آور باشد مانع مصرف سموم شیمیایی در جنگ‌ها شده و از بروز رویدادهای فاجعه‌بار بین ارتش‌های جهان جلوگیری نمایند.^(۲۵)

بنابراین؛ اولین توافق عمومی مربوط به سلاح‌های شیمیایی منجر به صدور اعلامیه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ در کنفرانس صلح لاهه شد، که به امضای ۱۶ دولت رسید و با تأکید بر ممنوعیت عرفی مبتنی بر تعهد متقابل، برخی از ابزارهای جنگی که رنج‌های غیرضروری ایجاد می‌نمایند، در ماده ۲۳ آن "استعمال پرتاب‌شونده‌هایی که یگانه کاربرد آن‌ها نشر گازهای خفه‌کننده یا زیان‌آور است" ممنوع شده است.^(۲۶)

دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس دوم لاهه، در ماده ۲۲ بر این نکته اساسی توافق کردند که «حق دولت‌ها در استفاده از ابزار آسیب‌رساندن به دشمن، نامحدود نیست» از این‌رو در ماده ۲۳ مقررات ناظر بر حقوق جنگ و عرف جنگ زمینی لاهه در ۱۹۰۷ نیز بر ممنوعیت مواد و سلاح‌های سمی و گلوله‌ها و ابزارهای جنگی که درد و رنج بیش از حد ایجاد می‌کنند، تأکید نمودند.^(۲۷)

یکی از اهداف دولت‌های شرکت‌کننده در گفتگوهای منجر به صدور این بیانیه را منع کاربرد هرگونه جنگ‌افزاری دانسته‌اند که آلام بزرگ و غیرضروری ایجاد می‌نمایند. قرار گرفتن در معرض سلاح‌های شیمیایی یکی از دردناک‌ترین شیوه‌های مرگ را برای انسان به ارمغان می‌آورد.^(۲۸)

مقررات کنوانسیون‌های لاهه را می‌توان اولین ممنوعیت آشکار سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک دانست و روشن است که سلاح‌هایی را در بر می‌گیرد که با استفاده از عوامل سمی و میکروبی و از روی عمد، ایجاد آلودگی می‌کنند. اما روشن نیست که آیا گاز به تنهایی و یا در شکل سلاح هم شامل این محدودیت می‌گردد یا خیر؟ و این همواره از مسائل حقوقی و پرسش‌های بحث‌برانگیز در بیانیه‌ها، جلسات، مذاکرات و پیش‌نویس‌ها و حتی شروط وارده بر قراردادهای پروتکل‌ها بوده است. زیرا همیشه تردیدهایی در این مورد وجود داشته که آیا اعلامیه گاز ۱۸۹۹ تنها گازهای مرگ‌بار را در بر می‌گرفته و یا سایر عوامل محدودکننده فعالیت و عملیات به مانند گاز اشک‌آور و یا سموم علف‌کش را نیز شامل می‌شود؟

به باور بسیاری از نویسندگان و دولت‌ها، مقررات لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ سلاح‌های شیمیایی را در بر نمی‌گیرند، اما برخی دیگر به روح مقررات توجه داشته و درک آن را فراتر از جمله‌بندی‌ها می‌دانند و معتقدند که سلاح‌های شیمیایی مشمول مقررات این دو کنوانسیون می‌گردند. آن‌ها همچنین به اعلامیه دیگری در ۱۸۹۹ در امتناع از استفاده از پرتاب‌شونده‌هایی که یگانه هدف آن‌ها انتشار گازهای خفه‌کننده و یا زیان‌آور است استناد می‌کنند.^(۲۹)

بعد از تجارب جنگ اول جهانی، پیمان صلح ورسای در ۱۹۱۹، در ماده ۱۷۱، ساخت و واردات گازهای خفه‌کننده و مسموم‌کننده و سایر گازهای مشابه و همچنین

مایعات، مواد و ابزار همانند آن را به خاک آلمان ممنوع کرد.^(۳۰) نحوه جمله‌بندی این ماده را حاکی از این دانسته‌اند که؛ استفاده از گاز و سایر اقسام مشابه، همچون گذشته برای مقاصد نظامی کماکان ممنوع است. مواد برخی دیگر از معاهدات بین‌المللی صلح نیز حکایت از ممنوعیت کاربرد این ادوات دارند.^(۳۱) ادبیات انتخاب‌شده در پیش‌نویس معاهده دریایی واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ نیز گرچه هرگز به اجرا در نیامد اما، نشان از گرایش مشابهی دارد.^(۳۲) ماده ۵ این معاهده، استعمال «گازهای خفه‌کننده، سمی یا مشابه آن، و همچنین هر نوع مایع، ماده یا روش مشابهی را در زمان جنگ»، منع کرده است.^(۳۳)

در ماده ۵ کنوانسیون محدودیت جنگ‌افزارها میان کشورهای آمریکای مرکزی نیز که در ۷ فوریه ۱۹۲۳ در واشنگتن به امضار رسید، طرفین عهد کرده‌اند که از به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها در جنگ خودداری ورزند.^(۳۴)

قراردادهای پس از جنگ در برگیرنده تلاش‌های گسترده‌تری نسبت به گذشته در جهت ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و میکروبی بوده و از دو نظر اهمیت داشته‌اند؛ نخست این که سلاح‌های ممنوعه تحت عناوینی به مانند: «خفقان‌آور، سمی و گازهای مشابه و تمامی مایعات، مواد و ادوات نظیر آن‌ها»، تعریف شدند. عباراتی که بعدها نیز در پروتکل ژنو به کار رفتند. دومین اهمیت این بود که قراردادهای صلح بدون طبقه‌بندی سلاح‌ها، خواهان ممنوعیت هرگونه ابزار مشخصی شده بودند. البته در پیش‌نویس بسیاری از قراردادهای براساس نظر برخی از حقوق‌دانان مؤکداً درخواست شده بود که به‌کارگیری هر نوع سلاح شیمیایی در جنگ، مخالف حقوق بین‌الملل عرفی است.^(۳۵)

پروتکل ژنو ۱۹۲۵

از منظر حقوق بین‌الملل در زمینه محدودیت ابزار جنگی دو نوع ممنوعیت باید از هم تمیز داده شوند: ممنوعیت استفاده از سلاح‌های خاص و ممنوعیت اتخاذ شیوه‌های وخیم مصدوم‌کردن دشمن. این هر دو در جنگ شیمیایی نقض می‌شود.^(۳۶) با این دیدگاه، اهمیت استراتژیک سلاح‌های شیمیایی و کاربرد گسترده آن در جنگ اول جهانی، دولت‌ها را وادار به وضع قوانین بین‌المللی نمود. به نحوی که هفت سال پس از پایان جنگ نخست جهانی، در سال ۱۹۲۵ تعدادی از کشورها در ژنو (مقر جامعه ملل) گرد هم آمدند تا قواعد بهتری را برای کنترل تسلیحات شیمیایی تدوین نمایند. تلاش‌های جامعه ملل در خلال دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ برای تحقق این آرزو بود که

کاربرد انواع جدیدی از سلاح‌هایی را که غیرانسانی و بیش از حد آزاردهنده بودند، منع نماید. به نظر می‌رسد که ممنوعیت جنگ شیمیایی از طریق غیرقانونی کردن مالکیت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی، افزایش مقررات موجود در زمینه حقوق بشردوستانه در جنگ بود. تمایل به وضع مقررات کلی در مورد خلع سلاح از نظر افکار عمومی و ناتوانی سیاست‌مداران آن دوران در توافق بر سر اتخاذ اقدامات مؤثری که بر تبعیت کشورها نظارت داشته باشد، به جای این که نگاه‌ها را متوجه ممنوعیت دارا بودن سلاح‌ها کند، عطف به ممنوعیت کاربرد این سلاح‌ها کرد. گرچه یکی از انگیزه‌های پنهان خلع سلاح شیمیایی در این دوران، محدود کردن زرادخانه آلمان بود که از توانایی‌های زیادی در زمینه شیمی و مهندسی ادوات نظامی شیمیایی برخوردار بود.^(۳۷) شاید یکی از دلایل قانع شدن دولت‌ها به لزوم وضع قواعد و ایجاد تعهدات بین‌المللی برای ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی را، شکست دولت‌هایی بدانیم که بیشترین میزان مواد شیمیایی را علیه دشمن به کار برده بودند. نتیجه این تجارب و بررسی‌ها اقدام به تدوین پروتکل ژنو مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ بود، با عنوان «پروتکل ژنو در مورد منع استعمال گازهای خفه‌کننده و سمی و مشابه آن و مواد میکروبی در جنگ»، که دولت ایران نیز در ۱۳۰۸/۴/۹ به آن پیوسته است. این پروتکل مهم‌ترین سند بین‌المللی در این باره است که به صراحت دولت‌های درگیر در ستیز را از کاربرد این مواد که آن را مغایر با وجدان و رسوم ملت‌های متمدن می‌داند منع کرده و نقض این تعهد را خلاف اصول حقوق بین‌الملل قلمداد نموده است. در این سند دولت‌های متعاهد ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده و مسموم و شبیه آن و سلاح‌های بیولوژیک را به رسمیت شناخته و تعهد کرده‌اند که خود را ملزم به رعایت آن دانسته و تلاش نمایند که دولت‌های دیگر را نیز به الحاق به آن ترغیب نمایند.

این پروتکل توسعه، تولید و انتقال جنگ‌افزارهای شیمیایی را منع نکرد. پاره‌ای از دولت‌های عضو با این (حق) شرط به پروتکل پیوسته بودند که اجازه داشته باشند یا علیه کشورهای غیرعضو پروتکل و یا در هنگامی که به آن‌ها حمله می‌شود با مقابله به مثل با این ادوات از خود دفاع نمایند. بعدها و در اثر درخواست و اصرار سازمان ملل به پیوستن سایر کشورها به این تعهدات، برخی از این کشورها از حق شرط خود گذشتند و متعهد گردیدند به طور مطلق کاربرد این نوع سلاح‌ها را ممنوع کنند.^(۳۸)

طرف‌های امضاکننده پروتکل ژنو از عباراتی استفاده کرده‌اند که از نظر تاریخی محکومیت‌های قبلی استفاده از گاز و عوامل مشابه را اعلام کرده بودند. پروتکل مقرر می‌دارد «نظر به این که استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی و سایر گازها و تمامی مایعات و ادوات مشابه، توسط وجدان عمومی جهان متمدن به حق محکوم شده است و

با در نظر گرفتن این که ممنوعیت چنین استفاده‌ای در پیمانی که با عضویت اکثریت قدرت‌های جهانی منعقد گردیده، اعلام شده است»، کوشیده‌اند به محکومیت استعمال گاز در اسناد پیشین به مانند بیانیه‌ها، مقررات و قراردادهای اشاره نموده که این نشان از باور اعضای پروتکل به وجود ممنوعیت قبلی برای گازهای سمی و ادوات و مواد مشابه دارد.

متن پروتکل بسیار کوتاه و عبارت از بیانیه‌ای با این اثربخشی است که طرفین تا جایی که الزام به آن نداشته باشند، ممنوعیت رایج در مورد استفاده از گاز در جنگ را پذیرفته‌اند و توافق نموده‌اند که این ممنوعیت‌ها را به شیوه‌های باکتریولوژیک نیز تسری دهند.

سودمندی پروتکل ژنو، به علت غیبت ایالات متحده از جمع اعضای تصویب‌کننده آن تضعیف شده بود. ایالات متحده در سال ۱۹۷۵ به پروتکل پیوست و با قید شروطی به مانند مستثنی کردن گاز اشک‌آور و سموم علف‌کش از شمول تعهدات خود نسبت به پروتکل باب تفسیر در مورد میزان تعهدات نسبت به این سند را باز گذاشت. این بحث‌ها در مذاکرات بعدی کنفرانس خلع‌سلاح نیز ادامه یافت.

در کنفرانس ۱۹۳۰ دولت‌های بریتانیا و فرانسه معتقد بودند که پروتکل ۱۹۲۵ گازهای اشک‌آور را نیز در بر می‌گیرد. در حالی که ایالات متحده با این نظر به این دلیل مخالف بود که هنگامی که استفاده از گاز اشک‌آور در زمان صلح و برای مهار شورش‌ها قانونی است، در زمان و در میدان جنگ نیز باید قانونی باشد و بر این باور بود که استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک یک موضوع ملی است. به همین دلیل و بهانه بود که در خلال جنگ ویتنام با این تأکید که عضو هیچ پیمانی که گازهای سمی و غیرسمی و یا انهدام گیاهان توسط مواد شیمیایی مضر برای انسان را ممنوع کرده باشد نیست، از سلاح‌های شیمیایی به‌ویژه در سال‌های ۷۰-۱۹۶۵ استفاده کرد. دولت انگلیس نیز به هنگام قیام‌ها در ایرلند شمالی خود را عضو هیچ پیمانی که گازهای اشک‌آور را ممنوع کرده باشد نمی‌دانست و آن را به کار برد.^(۳۹)

صرف‌نظر از عدم تبعیت کشورها از پروتکل ژنو، این سند خود دارای کمبودهایی بود که مانع از اجرای مؤثر آن می‌گشت. ازجمله تعهد عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی را به تحقق جنگ به معنای وسیع کلمه محدود کرده و آن را شامل برخوردهای مسلحانه منطقه‌ای نمی‌داند و تنها اعضای پروتکل را متعهد به اجرا می‌نماید. ممنوعیت استفاده نیز از سوی بسیاری از کشورها منوط به عمل (تعهد) متقابل شده است. همچنین سازوکاری برای بررسی، نظارت بر حسن اجرا و ضمانت اجرای کافی در مورد تحقیق در موارد نقض و یا مجازات کشور خاطی ندارد.^(۴۰)

تفسیر موسع از پروتکل ژنو را می‌توان از سوی سازمان ملل و از قطعنامه‌های ۲۱۶۲ B (XXI) مورخ ۱۹۶۶ و ۲۴۵۴ A (XXIII) در سال ۱۹۶۸ استنباط کرد، که در آن‌ها به‌ویژه به دامنه پوشش گازهایی که نه تنها بر افراد بشر بلکه بر نباتات تأثیر می‌گذارند، اشاره دارند. قطعنامه اخیر؛ هرگونه عامل شیمیایی جنگی و مواد شیمیایی، چه به صورت گاز، مایع و یا جامد را که به سبب تأثیر مسمومیت مستقیم آن‌ها بر روی انسان، حیوان و گیاهان به کار روند، ممنوع نموده است.

خارج از چارچوب تعهدات این پروتکل، توافقات دوجانبه‌ای نیز صورت گرفته است. برای نمونه در قرارداد منعقد شده میان اتریش و چهار قدرت پیروز در جنگ دوم در ۱۵ مه ۱۹۵۵ در وین، اتریش از دارا بودن، ساخت و آزمایش مواد خفه‌کننده، تاول‌زا و سمی محروم شده است (ماده ۱۳).

همچنین در تلاش برای کمک به مذاکرات پیچیده در مورد تدوین کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی، آمریکا و شوروی در سپتامبر ۱۹۸۹ یادداشت تفاهمی درباره اعلام میزان اندوخته‌ها و توانایی‌های تولید سلاح‌های شیمیایی و نیز در اول ژوئن ۱۹۹۰، توافقی درباره توقف فوری تولید و نابودسازی تا سطح ۵۰۰۰ تن از ذخایر سلاح‌های شیمیایی و پذیرش بازرسی در این مورد را میان خود امضا کردند.^(۴۱)

اقدامات سازمان ملل در چارچوب خلع سلاح

بند یک از ماده ۱۱ منشور ملل متحد در شرح اختیارات مجمع عمومی اشعار می‌دارد: «مجمع عمومی می‌تواند اصول همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا و یا به شورای امنیت توصیه‌هایی بنماید».

در ماده ۲۶ نیز درباره وظایف و اختیارات شورای امنیت آمده است: «به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وسیله به کار بردن تدابیری جهت صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است به کمک کمیته ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷ طرح‌هایی برای استقرار نظام مربوط به امور تسلیحاتی تهیه و به اعضای ملل متحد تقدیم نماید».

در فصل هفتم ماده ۴۷ نیز اقدام به تنظیم تسلیحات و خلع سلاح در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مورد حمایت قرار گرفته است.

اگرچه در این موارد هیچ نشانه‌ای از کاهش تسلیحات وجود ندارد، اما منشور با ایجاد مبنای حقوقی برای انتظام تسلیحات و سازمان ملل در اقدامات بعدی خود

به‌ویژه در مورد سلاح‌های شیمیایی، نسبت به این مهم اقدام و دولت‌ها را تحت نظارت این سازمان وادار به کاهش و حذف این سلاح‌ها از زرادخانه‌های خود کرد.

توجه به سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در قالب بررسی خلع‌سلاح کامل در دستور کار مجمع عمومی در سال ۱۹۵۹ مبذول گردید. دولت‌های شوروی و انگلیس در اعلامیه‌های جداگانه‌ای پیشنهادهای خود را مبنی بر منع تولید و انهدام زرادخانه‌های شیمیایی و میکروبی، به مجمع ارائه دادند. صدور این دو بیانیه توجه مجمع را به حمایت بیشتر از پروتکل ۱۹۲۵ جلب کرد و مسئله سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را به‌عنوان موضوعی مستقل از خلع‌سلاح مطرح ساخت. رشد نگرانی درباره استفاده کشورها از سلاح‌های باکتریولوژیک و شیمیایی شامل گازهایی که برای فرونشاندن آشوب‌ها و نیز علف‌کش‌ها در جنگ‌ها به کار می‌رفتند، مجمع را ترغیب نمود که یک رشته قطعنامه را تصویب نماید که در نخستین آن در سال ۱۹۶۶ درخواست مراعات اصول و اهداف پروتکل ۱۹۲۵ را از کشورها نموده بود. همچنین اهمیت و حساسیت و فوریت رسیدگی به این سلاح‌ها در گزارش سالیانه ۸-۱۹۶۷ دبیرکل؛ اوتانت، به مجمع عمومی یادآوری گردید.

در پی این گزارش قطعنامه ۲۴۵۴ مجمع در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ به دبیرکل اختیار داد گروهی کارشناس را برای بررسی علمی و فنی اثرات سلاح‌های شیمیایی و میکروبی تشکیل دهد.^(۴۲) گزارش این گروه در سال بعد به مجمع، شورای امنیت و کمیته خلع‌سلاح ارائه گردید. این گزارش همراه با گزارشی از کنفرانس کمیته خلع‌سلاح، طرح قرارداد ارائه‌شده از سوی بلوک شوروی مورد رسیدگی در مجمع قرار گرفت. دبیرکل در این گزارش به استناد نظر کارشناسان به دولت‌ها توصیه کرده بود که به ممنوعیت مندرج در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو پایبند باشند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد همچنین قطعنامه شماره (XXIV) A ۲۶۰۳ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ را در حمایت از پروتکل و احترام به مفاد و مراعات مواد و پیوستن سایر دولت‌ها به آن تصویب کرد.^(۴۳)

این کوشش‌ها موجب گردید که کشورها ابتدا بر روی مقاوله‌نامه‌ای در مورد ممنوعیت سلاح‌های بیولوژیک به توافق برسند. سلاح‌هایی که ممکن بود در اثر استفاده منجر به یک اپیدمی جهانی شده و میلیون‌ها انسان را از میان ببرد. از این‌رو، در ۱۹۷۱ در کمیته هجدهم خلع سلاح، دولت‌ها گفتگو درباره متن کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و انباشت (ذخیره‌سازی) سلاح‌های بیولوژیک و سمی را تحت عنوان «کنوانسیون

سلاح‌های بیولوژیک»^۱ به پایان رساندند که همراه با پروتکل ۱۹۲۵، دولت‌های عضو را از توسعه، تولید و انتقال سلاح‌های بیولوژیک منع کرد. آن‌ها عهد کردند که هرگز از بیولوژی برای تسلیح مهمات جنگی که ممکن است در اثر یک اپیدمی جهانی میلیون‌ها انسان را از بین ببرد، استفاده نکنند. اما، سازوکاری برای نظارت بر تبعیت دولت‌های عضو از تعهد خود پیش‌بینی نکرده بودند. دولت‌های عضو متعهد شده بودند که مذاکرات خود را در مورد یک پیمان بین‌المللی ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی ادامه دهند.^(۴۴)

موفقیت در تصویب این کنوانسیون به این سبب بود که موضوع دو گونه سلاح شیمیایی و بیولوژیک را از هم تفکیک کرد و نخست به ایجاد مقرراتی برای منع سلاح‌های بیولوژیک به‌تنهایی پرداخت، زیرا که اهمیت نظامی آن‌ها اندک بود و جنبه فرعی داشت.

از همان زمان مذاکراتی نیز درباره ممنوعیت کامل سلاح‌های شیمیایی آغاز شد. اما، بیست سال دیگر مذاکره لازم بود تا دولت‌ها به اجماعی درباره سلاح‌های شیمیایی برسند که از نظر نظامی دارای اهمیت بودند و تا سال‌های اخیر نیز علی‌رغم محکومیت جهانی همچنان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. مذاکرات با دو مشکل اساسی روبه‌رو بود؛ یکی تعریف و توصیف سلاح شیمیایی و دیگری ایجاد اعتماد برای تبعیت از مقررات کنوانسیون.^(۴۵)

اختلاف در برداشت درباره اهمیت نظامی سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی به روشنی در ساختار و محتوای دو کنوانسیون بازتاب یافته است. در حالی که کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک فقط شامل ممنوعیت ساده تصرف چنین سلاح‌هایی است و هیچ تلاشی برای ارائه تعریفی روشن از دامنه این ممنوعیت و یا بیان روش‌هایی که تبعیت از آن را تضمین نماید ارائه نمی‌دهد، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی به‌طور مفصل به تعریف سلاح‌های ممنوعه پرداخته و جزئیات آن را به طور دقیق تشریح کرده است. اجرای اهداف و تعهدات کنوانسیون توسط سازمانی که به این منظور تأسیس شده است و در آن مراحل که تبعیت را تضمین نماید، به خوبی بیان شده است. برخی از نویسندگان بر این باورند که این تفصیل در مورد سازوکار منشور پیشرفته کنوانسیون شیمیایی نه تنها جدی‌بودن مسائل امنیتی را که باید توسط کنوانسیون نظارت شود بازتاب می‌دهد بلکه نتیجه تغییر در محیط سیاسی بین‌المللی در سال‌های میان ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۳ نیز بوده است.^(۴۶)

در ۱۹۷۲ یک پیش‌نویس کنوانسیون در مورد سلاح‌های شیمیایی به کنفرانس کمیته خلع‌سلاح CCD ارائه شد. در سال ۱۹۷۳ ده کشور عضو عدم‌تعهد، در ۱۹۷۴ ژاپن، در ۱۹۷۶ بریتانیا، در ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحد آمریکا در متنی مشترک و در ۱۹۸۴ دولت آمریکا پیشنهادهایی به کمیته خلع‌سلاح ارائه دادند که حکایت از پیشرفت تدریجی در تمایل کشورها به ممنوعیت استفاده از هرگونه مواد شیمیایی در جنگ و تأسیس یک سیستم نظارت و بازرسی دقیق و دائمی بر آن داشتند.^(۴۷)

کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی CWC

کامل‌ترین سند بین‌المللی که در ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی تدوین و به تصویب رسیده و حاصل سه دهه مذاکرات گسترده با هدف یافتن راه‌کارهایی برای ایجاد و تقویت رژیم حقوقی تضمین‌کننده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی و ایجاد سازوکارهای نظارتی می‌باشد، «کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها» است.^(۴۸)

پیش‌نویس آماده شده در ۱۹۸۵ (CD/636) پس از اصلاحات متعدد، سرانجام تحت عنوان و با ضوابط یک کنوانسیون بین‌المللی در کنفرانس خلع‌سلاح سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۳ برای امضا در پاریس در اختیار دولت‌ها قرار گرفت و در ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ با عضویت ۸۷ دولت، قدرت اجرایی یافت. این مقاوله‌نامه به مانند پیشنهادهای یادشده پیشین، بر پایه تعیین معیار تمیز میان درجه سمی بودن مواد شیمیایی مشخصی، استوار بود. همچنین دسته‌بندی نوینی در این باره ارائه داد و میان مواد شیمیایی با قدرت مسمومیت فوق‌العاده، سایر مواد شیمیایی مرگ‌بار و دیگر مواد زیان‌آور تفاوت قائل شد.^(۴۹)

کنوانسیون یک سند حقوقی بی‌مانند و چندجانبه است و نخستین پیمان خلع‌سلاح و عدم‌اشاعه‌ای است که از دو ویژگی برخوردار است؛ هم تبعیض‌آمیز نیست و هم با محک راستی‌آزمایی نظارت خواهد شد. برخلاف تصور عمومی این تنها یک پیمان خلع‌سلاح نیست، بلکه دولت‌های عضو را متعهد می‌نماید که به سایر اعضای کنوانسیون که ممکن است مورد حمله و یا تهدید واقع شوند، کمک نماید.^(۵۰)

کنوانسیون از یک مقدمه، ۲۴ ماده و سه پیوست با عناوین مواد شیمیایی، راستی‌آزمایی و نگهداری از اطلاعات محرمانه، تشکیل شده است که همه آن‌ها دارای ارزش قانونی و اجرایی برابری می‌باشند. کنوانسیون از اعتبار دائمی برخوردار بوده و

مسئولیت اجرا و نظارت بر آن به عهده سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، مستقر در لاهه است.

تعهدات عمومی

هدف مهم این سند حذف سلاح‌های شیمیایی از زرادخانه‌های کشورها می‌باشد.^۱ بنابراین تعهد اساسی تنها نسبت به در اختیار داشتن هر نوع از این سلاح‌ها آن‌گونه که در بند ۱ از ماده ۱ به شرح زیر بیان شده است نیست. بلکه، براساس مواد این معاهده دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که هرگز و در هیچ شرایطی اقدامات منع‌شده به شرح مندرج در ماده ۱ را انجام ندهند:

الف) توسعه، تولید، اکتساب به هر طریق، انباشت یا نگهداری سلاح‌های شیمیایی، یا انتقال مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها به دیگران،

ب) به کار بردن سلاح‌های شیمیایی،

ج) زمینه‌سازی برای هرگونه آمادگی رزمی با هدف کاربرد سلاح‌های شیمیایی،

د) کمک‌رسانی، تشویق یا ترغیب دیگران، به هر شکل ممکن برای درگیر شدن

در فعالیت‌هایی که در این کنوانسیون برای اعضا ممنوع شده است.

در این ماده دولت‌ها متعهد شده‌اند نسبت به انهدام سلاح‌های شیمیایی تولید

نموده و یا خریداری شده‌ای که در قلمرو تحت حاکمیت آن‌ها قرار دارد و همچنین تأسیسات تولیدکننده این مواد، مطابق شرایط این کنوانسیون اقدام نمایند.

دولت‌ها همچنین در نابودکردن سلاح‌های شیمیایی که در سرزمین‌های دیگر

رها کرده‌اند متعهد می‌باشند.^۲

کنوانسیون در ماده ۲ به شرح کاملی از تعریف سلاح‌ها و مواد شیمیایی

پرداخته است. بنابر تعاریف ارائه شده در این کنوانسیون، سلاح‌های شیمیایی عبارتند از:

۱. کنوانسیون از کشورها درخواست کرده است وضعیت موجود خود را در مورد دارا بودن تسلیحات شیمیایی و امکانات تولیدی آن گزارش کنند. تا سال ۲۰۰۷ شش دولت عضو مالکیت سلاح‌های شیمیایی و تأسیسات تولیدی آن را اعلام کرده‌اند.

۲. منظور سلاح‌های قدیمی است که پس از تصویب پروتکل ژنو در ۱۹۲۵ تولید و استفاده شده و در سرزمین دولت دیگری رها شده‌اند (بند ۶ ماده ۲).

الف) مواد شیمیایی و مواد اولیه مورد نیاز برای ساخت آن‌ها، به استثنای مواردی که در این کنوانسیون مجاز شناخته شده است به شرطی که انواع و میزان آن‌ها با اهداف این کنوانسیون مطابقت داشته باشد.

- مهمات و ادوات و هرگونه تجهیزاتی که دارای ویژگی‌های مواد سمی بوده و به‌طور خاص برای کشتار و یا آسیب‌رساندن طراحی شده‌اند.

مواد شیمیایی سمی عبارتند از :

- هرگونه ماده شیمیایی که در اثر فعل و انفعالات شیمیایی بتواند بر فرایند زندگی تأثیر گذارده و موجب مرگ، ناتوانی موقت یا وارد آوردن آسیب دائمی به انسان یا حیوانات گردد...

- مواد اولیه؛ شامل هر نوع عامل یا محرک شیمیایی می‌گردد که در تولید مواد سمی نقش مؤثری داشته باشد...

این مقاوله‌نامه بر چهار ستون اساسی استوار است؛

-انهدام تسلیحات موجود و تأسیسات تولید سلاح‌های شیمیایی و نظارت و بازرسی این مراحل (مواد ۳ و ۴ و ۵). براساس ماده ۳ این سند هر دولت عضو ۳۰ روز پس از آغاز تعهدات نسبت به کنوانسیون باید اعلامیه‌های مربوط به تسلیحات شیمیایی و تأسیسات و اماکن و میزان تولید را تکمیل و طرحی را که برای انهدام آن‌ها دارد، به سازمان اعلام نماید. دولت‌ها باید میزانی از مواد شیمیایی که به استناد شرایط مندرج در ماده ۲ مجاز به نگهداری و استفاده از آن تنها با هدف مهار اغتشاش هستند، را اعلام دارند.

ماده ۴ این مقاوله‌نامه به همراه پیوست مربوط به راستی‌آزمایی به تشریح جزئیات کامل سلاح‌های شیمیایی و نحوه همکاری کشورهای متعاقد با بازرسان و ارائه گزارش به آنان از طریق تکمیل اعلامیه‌ها پرداخته است. ماده ۵ نیز درباره تأسیسات تولید سلاح‌های شیمیایی و دسترسی آسان بازرسان به آن‌ها و تعهدات دولت‌ها نسبت به تخریب آن‌ها تا مدت ده سال و در صورت نیاز به زمان بیشتر با تمدید پنج سال دیگر است. جزئیات کامل انجام این مراحل نیز در پیوست ویژه راستی‌آزمایی درج شده‌اند.

ماده ۵ در بند ۳ تمامی تأسیسات تولید ادوات جنگی شیمیایی را مشمول نظارت و تأیید دوره‌ای از طریق بازرسی می‌داند.

- عدم اشاعه تسلیحات شیمیایی (ماده ۱)

- کمک و حمایت در برابر حمله و یا تهدید به حمله توسط مواد شیمیایی، به استناد ماده ۱۰ این سند، کشورهایی که با تهدید و یا حمله شیمیایی روبه‌رو شوند، می‌توانند از کمک‌های سازمان و کشورهای عضو ازجمله در زمینه دریافت ابزار

هشداردهنده، وسایل حفاظتی، اقدامات آلودگی‌زدایی و آموزش‌های مربوط به دفاع شیمیایی برخوردار شوند.

- همکاری‌های بین‌المللی در زمینه استفاده صلح‌آمیز از دانش و صنایع شیمیایی (ماده ۱۱). ماده ۶ نیز برای فعالیت‌هایی که در این مقابله‌نامه منع نشده‌اند همکاری کشورها را با سیستم بازرسی ضروری شمرده است.

براساس ماده ۷، کشورهای عضو قانون لازم برای نظارت بر اجرای تعهدات خود نسبت به کنوانسیون را تصویب و به تأسیس یک مرجع ملی سلاح‌های شیمیایی که به‌مانند دبیرخانه‌ای برای کنوانسیون عمل کند اقدام خواهند نمود. همچنین با سایر کشورهای عضو به‌منظور تسهیل در انجام تعهدات آن‌ها و نیز با دبیرخانه سازمان منع گسترش سلاح‌های شیمیایی همکاری‌های قانونی خواهند نمود.

ضمانت اجرای کنوانسیون در ماده ۱۲ با عنوان اقدامات مربوط به رسیدگی و حصول اطمینان از پایبندی به تعهدات تعیین شده است که براساس آن؛ کشور خاطی متحمل جرایم و خسارتی به مانند محدودیت و تعلیق حقوق و امتیازات و از جمله تحریم خواهد بود. نقض تعهدات این کنوانسیون به‌گونه‌ای که آسیب جدی به اهداف این کنوانسیون وارد آورد اقدامات جمعی علیه کشور ناقض تعهدات را پیش‌بینی کرده است. کنفرانس در موارد نقض بسیار شدید می‌تواند مستندات لازم را به مجمع عمومی و شورای امنیت گزارش دهد. در این صورت ممکن است تصمیمات و مجازات‌های ملل متحد اعمال گردد.^(۵۱)

کنوانسیون را پیچیده‌ترین قولنامه چندملیتی در زمینه خلع سلاح توصیف کرده‌اند^(۵۲) که از چند ویژگی برخوردار است:

موقعیت برابر برای تمامی اعضا؛ از نظر اجرای تعهدات تمامی کشورها با یکدیگر برابرند. هیچ کشوری حق نگهداری سلاح‌های شیمیایی ندارد و تمامی اعضا باید بازرسی از تاسیسات خود را که انجام تعهداتش را به محک می‌زند بپذیرد. هر کشور وظیفه دارد اثبات نماید که تمامی سلاح‌های شیمیایی و ادوات تولید آن‌ها را نابود کرده و از توسعه، تولید، ذخیره سازی و استفاده از آن‌ها اجتناب نماید.

پشتیبانی و دریافت کمک؛ این پیمان حمایت و کمک به کشورهایی را که مورد حمله قرار گرفته و یا تهدید به حمله شیمیایی می‌شوند، پیش‌بینی کرده است و به کشورها این حق را داده است که از دیگران بخواهند در برابر تهدید و حمله شیمیایی از آن دفاع کنند.

اعتماد و استفاده صلح‌آمیز از دانش شیمی؛ پیمان بر اعتماد استوار است. اگر مواد شیمیایی سمی برای استفاده در بسیاری از محصولات که انسان به آن نیازمند

است، ضروری است، کشورها حق و وظیفه دارند اثبات نمایند که این مواد به‌طور صلح‌آمیز به کار می‌روند.

تعهدات مشترک و از میان‌بردن تردیدها؛ زمانی که دولتی عهد می‌کند که به تعهداتش عمل کند، امیدوار است که دیگران نیز آن تعهدات را انجام دهند. اگر نگرانی در این باره وجود داشته باشد، کنوانسیون راه‌هایی را برای رفع تردید پیش‌بینی کرده است. مقاوله‌نامه زیر سؤال بردن اعتبار بازرسی‌ها را به رسمیت شناخته است. به این معنا که هر کشوری که در مورد فعالیت‌های دیگر اعضا نگران است می‌تواند درباره اقداماتی که در کنوانسیون مجاز نیست درخواست بازرسی نماید.

سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW)

ارائه طرحی برای بازرسی بین‌المللی سلاح‌های شیمیایی را منسوب به شوروی و هم‌پیمانانش در اروپای شرقی به سال ۱۹۷۲ (CCD/361) و تأسیس یک آژانس بازرسی بین‌المللی را پیشنهاد ژاپن در ۱۹۷۴ (CCD/420) گزارش کرده‌اند. اما در مورد تأسیس سازمانی به شکل و با مسئولیت کنونی پیشنهاد ۱۹۷۳ دولت هلند را که پس از بحث و بررسی بسیار به نتیجه رسید مؤثر دانسته‌اند.^(۵۳)

ویژگی‌های این سازمان در پیشنهادهای اولیه خلع‌سلاح شیمیایی و به منظور نظارت دائمی بر انجام تعهدات ملی و بین‌المللی و ارزیابی تبعیت اعضا و همچنین تداوم مشورت و اتخاذ تدابیر لازم و نوین درباره خلع‌سلاح عمومی شیمیایی نیز مورد توجه قرار گرفته بود. کشورهای عضو توافق نمودند که سازمانی دائمی را با مقر لاهه ایجاد نمایند که تمامی کشورهای عضو کنوانسیون نیز در آن سازمان عضو خواهند بود. بنیاد این سازمان و شرح تشکیلات و وظایف آن در ماده ۸ کنوانسیون ارائه شده است. کنفرانس دولت‌های عضو، بالاترین رده تصمیم‌گیری در سازمان است که اجلاس‌های سالانه و جلسات ویژه‌ای نیز دارد که در آن تصمیم‌گیری می‌نمایند. هر کشور دارای یک حق رأی است.

سازمان دارای یک شورای اجرایی است که از ۴۱ دولت عضو تشکیل شده است و بر مبنای تقسیم جغرافیایی و به شکل دوره‌ای هر دو سال یک بار انتخاب شده و بر فعالیت‌های سازمان نظارت دارد و در برابر کنفرانس عمومی کشورهای عضو مسئول است. شورا دبیرخانه را در انجام امور هدایت می‌نماید و توصیه‌های لازم را به کنفرانس ارائه می‌دهد.

امور اجرایی سازمان توسط دبیرخانه‌ای انجام می‌شود که ریاست آن انتخابی و برعهده مدیرکل است. در واقع می‌توان گفت مهم‌ترین بخش این تشکیلات اداره بازرسی

است که امور مربوط به تحقیق، کنترل و نظارت بر فعالیتهای شیمیایی را مطابق با آخرین پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک انجام می‌دهد. بودجه هزینه‌های سازمان به مانند دیگر ارگان‌های بین‌المللی توسط اعضا تأمین خواهد شد.

یکی از عناصر مهم در ساختار سازمان این است که به‌عنوان یک مرجع اعتمادساز میان دولت‌های عضو عمل می‌کند. عامل ارزشمند دیگر اطمینان‌دادن به کشورهاست در مورد این که می‌توانند برای رسیدگی به اتهام وارده از سوی یک کشور به کشور دیگر در مورد دارا بودن سلاح‌های شیمیایی درخواست بازرسی بنمایند.^۱ این بازرسی‌ها یکی از ابزارهای موجود قدرتمند در پیمان‌های خلع‌سلاح است. در صورت درخواست یک دولت عضو کنوانسیون از سازمان در مورد بازرسی از تأسیسات و کارخانجات مربوط به صنایع شیمیایی در قلمرو هر دولت عضو دیگر به این تقاضا در مدت ۱۲ ساعت رسیدگی خواهد شد.

باوجودی که تاکنون از این حق استفاده نشده است، اما سازمان بازرسانی را آماده ساخته و در اختیار دارد که به وظیفه خود عمل نمایند. دامنه مکانیسم این نوع بازرسی آن‌گونه که کنوانسیون تعریف کرده است، ممتاز و بی‌مانند است.^(۵۴)

ارزیابی

گرچه شایسته و مرسوم نیست که ابتکار و اعتبار تدوین و اجرای یک قانون را به مجرمین نسبت داد، اما بدون شک شتاب‌گرفتن تدوین کنوانسیون مورد بررسی ما، تحت تأثیر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی نیز قرار گرفته و در ایجاد تفاهم بین‌المللی نسبت به نگرانی از تکرار فجایعی که در دهه ۱۹۸۰ رخ داد نقش داشته است. همچنان که تصویر سربازان ملبس به ماسک در جنگ اول جهانی، به تدوین پروتکل ۱۹۲۵ انجامید، صحنه‌های رنج‌آور کشتار کردهای ساکن سردشت و حلبچه توسط سلاح‌های شیمیایی عراق در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، تلاش برای ممنوعیت کاربرد این ادوات را بیشتر کرد. جنگ اول خلیج فارس نیز خطرات ناشی از وجود سلاح‌های کشتار جمعی در دست رژیم‌های بدون مسئولیت را برجسته‌تر ساخت و نیاز به نتیجه‌گیری از مذاکرات درازمدت و تدوین سازوکاری برای ممنوعیت کاربرد این مهمات را به دولت‌ها گوشزد کرد. سرانجام، تلاش مجدانه بین‌المللی برای رسیدن به اهداف کنوانسیون به بار نشست و سندی مهم را به همراه پیوست‌های مفصل آن به تعهدات بین‌المللی دولت‌ها افزود.

کنوانسیون از چند ویژگی تحسین‌برانگیز به مانند جهان‌شمولی، انهدام زرادخانه‌های شیمیایی و راستی‌آزمایی برخوردار است. جهان‌شمولی این تعهدات مهم‌ترین بخش زیربنایی خلع و عدم‌گسترش تسلیحات است. انهدام زرادخانه نیز تنها به معنی از میان‌بردن مادی آن‌ها نیست بلکه به معنای خارج‌ساختن این ادوات از دکترین دفاعی و نظامی کشورها و کنار گذاشتن دانش و تجارب کاربرد آن‌ها و پیش‌گیری از مسلح‌شدن به این جنگ‌افزارها در آینده است. ایجاد سازوکاری برای راستی‌آزمایی از طریق تعریف و تدوین مقررات عمومی بازرسی و تأیید، میراث ارزشمندی است که از سازوکار داوطلبانه بازرسی سازمان انرژی اتمی در مورد فعالیت‌های چرخه سوخت اتمی در پیمان عدم‌گسترش به سلاح‌های شیمیایی رسیده است.

شاید تا زمانی که تمامی کشورها به عضویت کنوانسیون در آمده و تعهداتش را بپذیرند، بیان این نکته که انعقاد کنوانسیون تا چه میزان می‌تواند امنیت ملت‌ها را در قبال این ابزارها افزایش دهد، مشکل باشد. اما گستردگی بحث جهانی‌کردن تعهد نسبت به این سند در جریان مذاکراتی بسیار پیچیده و زمان‌بر و نیاز به دستیابی به یک توافق همه‌جانبه به‌عنوان تنها راه‌حل تأمین امنیت و در نهایت پذیرش یک موافقت‌نامه مناسب و مؤثر و همچنین تأمین ساختاری برای تشویق به مشارکت در آن که نظر تمامی اعضا را بازتاب می‌دهد، یکی از برجستگی‌های این سند بین‌المللی است. با وجود اقبال عمومی نسبت به این کنوانسیون، تعدادی اندک اما نگران‌کننده از کشورها به مانند؛ آنگولا، جمهوری دموکراتیک خلق کره، مصر، سومالی و جمهوری عربی سوریه تا سپتامبر ۲۰۱۰ به این سند نپیوسته‌اند. مسئله بسیار مهم دیگر مدت زمانی مناسب برای انهدام زرادخانه‌های شیمیایی بود که در این مقاوله‌نامه ۱۰ سال تعیین شده است.

یادداشت‌ها

1. Bailey, Sydney D. (1972), Prohibitions and Restraints in War. UK: Oxford University Press, P. 122.
2. Detter, Ingrid (2000), The Law of War. UK: Cambridge University Press.. P.251.
3. Fyodrov, Yuri (1987), The Silent Death, Moscow Progress Publishers, P.10.
4. Detter , Op. Cit., P. 252.
۵. نگاه کنید به: روسو، شارل (۱۳۶۹)، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه: سیدعلی هنجانی، جلد اول، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، صص. ۷-۱۳۲.
6. AO (The Story of the Chemical Weapons Ban). pp 6-7, www.actueleonderwerpen.nl
۷. علائی، حسین و بابک خواجه کاوسی (۱۳۷۱)، صنایع شیمیایی، تسلیحات و خلع‌سلاح شیمیایی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه و http://whyfiles.org/025chem_weap/3.html
8. <http://www.opcw.org/29april/why-we-remember.html>
9. Fyodorov, Op. Cit., p.12.
10. Ibid. p.14.
۱۱. علائی، پیشین. ص ۴۶.
12. Encyclopedia of Public International Law, Vol. 3, North-Holland Publishing Company (Amsterdam 1982), p.84.
13. Bailey , Op. Cit., P.132
۱۴. رندل، جان‌اتان (۱۳۷۹)، با این رسوایی چه بخشایشی؟! ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: نشرپانیذ.
15. AO (The Story of the Chemical Weapons Ban) Op. Cit., P.14.
16. Lehman, Ronald F. (1992), Concluding the Chemical Weapons Convention, in CHEMICAL DISARMAMENT and U.S. Security, Brad Roberts, (Ed.), Oxford: Westview Press, P.1.
17. Detter, Op. Cit., P. 251.
18. www.actueleonderwerpen.nl
19. <http://www.opcw.org/29april/why-we-remember.html>
20. <http://www.opcw.org/29april/why-we-remember.htm>
21. Bailey, Op. Cit., pp. 123-4.
22. Schindler, Dietrich, Jiri Toman (1988), The Law of Armed Conflicts, Geneva: Henry Dunant Institute, p.29.
23. Ibid.p.105.
24. Bailey, Op. Cit., p. 125.
25. www.actueleonderwerpen.nl

۲۶. روسو، پیشین، ص ۱۳۳ و Schindler, Op. Cit., P. 105 و Bailey, Op. Cit., P. 125
۲۷. ظریف، محمدجواد و سیدمحمدکاظم سجادیپور (۱۳۸۷)، دیپلماسی چندجانبه. جلد دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص. ۵۷۳.
28. www.actueleonderwerpen.nl
29. Detter, Op. Cit., pp. 253-4.
30. Encyclopedia, Op. Cit., p.84.
۳۱. برای نمونه می‌توان به ماده ۱۳۵ پیمان Saint Germain ۸۲۰ پیمان Neuilly ، ۱۱۹ Trianon، و ۱۷۶ Sevres اشاره کرد.
32. Detter, Op. Cit., P.254 .
۳۳. روسو، پیشین، ص. ۱۳۳ و Encyclopedia , Op. Cit.
34. ----The Law of War and Dubious Weapons. SIPRI, Almqvist&Wiksell International. (Sweden 1976) p.55.
- 35 Bailey, Op. Cit., P. 126.
36. Encyclopedia, Op. Cit.
37. Krause, Joachim, the Changing International System and Chemical Disarmament. in CHEMICAL DISARMAMENT and U.S. Security. Op.Cit., p.22.
38. <http://www.opcw.org/29april/why-we-remember.htm>.
39. Detter, Op. Cit., p.257.
۴۰. بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۶)، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۴-۲۳.
41. Lehman, Op. Cit., P.2.
۴۲. روز پیش از این نیز در ۱۹ دسامبر، مجمع عمومی قطعنامه دیگری به شماره ۲۴۴۴ را در حمایت از قطعنامه مصوب بیستمین کنفرانس بین‌المللی صلیب‌سرخ در وین (۱۹۶۵) در مورد حمایت از مردم غیرنظامی در برابر سلاح‌های خطرناک و فاقد قدرت تشخیص در هدف‌گیری افراد، صادر کرده و از دولت‌ها خواسته بود که به پروتکل ۱۹۲۵ پیوسته و مفاد آن را در مورد عدم استفاده از سلاح‌های خفه‌کننده و سمی و سایر گازهای همانند مراعات نمایند. نگاه کنید به Schindler 259-60. مجمع عمومی حداقل یک بار دیگر نیز در قطعنامه شماره ۳۳۱۸ مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، در مورد حمایت از زنان و کودکان در شرایط وخیم و جنگ‌های مسلحانه، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک را در جنگ نقض شدید پروتکل ۱۹۲۵، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی دانسته و دولت‌ها را به مراعات آن‌ها ملزم نموده بود (۲۶۹-۷۰).
۴۳. نگاه کنید به: مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۵۲)، خلع‌سلاح و سازمان ملل متحد، تهران: چاپ خواندنی‌ها،، صص ۱۹۷-۲۰۴. Schindler, Op. Cit. pp. 133-4.

44. <http://www.opcw.org/29april/why-we-remember.html>
45. AO(the Story of the Chemical weapons Ban) Ibid. P13.
46. Bothe, Michael (1998), the New Chemical Weapons Convention-Implementation and Prospects, The Hague: . kluwer law international, p.2.
۴۷. برای آگاهی بیشتر نسبت به فرایند مذاکرات و تدوین کنوانسیون نگاه کنید به: علائی، پیشین، فصل سوم،
- Robinson , Julian Perry (1985), Chemical Warfare Arms Control: a Framework for Considering Policy Alternatives. London: SIPRI,
- Robinson, Julian Perry, the Negotiation on the Chemical Weapon Convention: a historical overview. in Bothe, Ibid. pp.24-8.
- Nicholas A. Sims (1987), International Organization for Chemical Disarmament, London: SIPRI.
۴۸. ظریف و سجادیپور، پیشین. ص. ۵۹۱.
49. Detter, Op. Cit., P. 264. <http://www.opcw.org/html/glance/timeline.html>
50. Neto, Danilo Marcondes, the OPCW after 10 Years: The Role of the OPCW in Promoting Non-Proliferation and Arms Control of Chemical Weapons. Institute of International Relations, Pontifical Catholic University, Rio de Janeiro. Brazil. P.2.
51. ----- Organization for the Prohibition of Chemical Weapons. OPCW, (Hague 2005).
52. AO, Op. Cit., P.14.
53. Nicholas A. Sims, Op. Cit.
54. Neto, Op. Cit., P.17-8.